

ریشه یابی حقوق جهت مقابله با بحران‌های قرن بیست و یکم

ریشه یابی [1] حقوق جهت مقابله

با بحران‌های قرن بیست و یکم

دکتر عمر جاه جونیور

معاون اجرایی ریاست دانشگاه گامبیا

در امور اداری و مالی

در آیه مبارکه 143 از سوره 2 ذات مقدس می‌فرماید:

ما به این ترتیب شما را امتی میانه رو (امه وسطاً) قرار دادیم، مردمانی حقیقت جو و نیک، تا شاهدی باشید بر نوع بشر و پیامبر شاهد شما باشد. [2]

و در صحیح البخاری، از سیده عایشه روایت شده است که روزی پیامبر وارد خانه وی شد و بانویی در خانه بود. پیامبر فرمود: این کیست؟ سیده عایشه پاسخ داد: او فلان خانم است، و دارد نمازش را می‌خواند. پیامبر فرمود: نمازت را آرام بخوان و هر چه می‌توانی بهتر ادا کن. به خدا قسم که او هرگز (از اجر دادن به تو) خسته نخواهد شد تا تو خسته شوی و دست (از نماز) برداری. [3] و بهترین عبادت نزد پیامبر عبادتی بود که بنده خدا مصرانه به آن پایبند باشد.

مقدمه:

ریشه‌های بحران‌های جهان امروز نه اقتصادی است، نه فرهنگی، و نه حتی اجتماعی، بلکه ریشه این بحران‌ها فساد علمی است. در هر برهه‌ای از زمان که در نظر بگیریم، فروشگاه‌های بزرگ جهان بیش از آن چه همه جمعیت دنیا بتواند مصرف کند در انبار هایشان ذخیره دارند. با این حال، جمعیتی که در جهان از بی غذایی تا حد مرگ رنج می‌کشند همواره در حال افزایش است و این موجب نگرانی هر بشر دوستی می‌باشد. خانواده‌های بیش تر و بیش تری تشکیل می‌شود ولی روابط خانوادگی نیز به همان میزان دچار اختلال می‌گردد. علوم بهداشت و درمان روز به روز پیش رفت می‌کنند و روش‌های پیچیده تر و

تخصصی تر ابداع می‌شود، اما امراض درمان ناپذیر بیش‌تر نیز در جهان پیدا می‌شود. در گذشته دور، انسان در جنگل‌ها زندگی می‌کرد و گفته می‌شود نا آگاه‌تر بوده، با این حال او کمتر در معرض آسیب بود و قوانین ابتدایی قادر به برقراری نظم در جوامع بود. امروز علوم و فناوری‌ها بسیار پیش‌رفته شده است، پیمان‌ها و عهد نامه‌ها در سازمان‌هایی مانند سازمان ملل اغلب منعقد می‌شود، ادعا می‌شود که آگاهی انسان بالاتر رفته است، با این حال ما هنوز در جنگل‌هایی مدرن و فوق مدرن زندگی می‌کنیم که در آن‌ها زندگی انسان‌ها، به ویژه زندگی مسلمانان، هر روز به نحوی جنون‌آمیز طعنه پیش‌رفته ترین جنگ افزارهایی می‌شود که در اختیار حاکمیت بی‌نظمی در جهان قرار دارند.

علل ریشه‌ای همه این ناهنجاری‌ها فساد دانش است

جهان اسلام با این واقعات بیگانه نیست. در واقع، از زمان فروپاشی خلافت عثمانی در سال 1924، جهان اسلام کلاً غرق در فلسفه‌ای در خصوص انسان و طبیعت (اپیستمولوژی) شده است که با اسلام بیگانه است. اهداف شریعت، آن چنان که در آثاری هم چون "الموافقات" به قلم امام شاطبی، با هاله‌ای از فداست آمده است، جهان بینی فلسفی حاکم همان "امته وسطاً" اسلام، یا میانه روی است. با این حال، رعایت میانه روی در شرایطی که افراط‌گرایی از دو سو به انسان تحمیل می‌شود کاری است دشوار:

همانند قوانین فیزیک، در جامعه شناسی نیز، هر عمل افراطی اجتماعی منجر به یک عکس‌العمل افراطی اجتماعی می‌گردد. "پست مدرنیسم" [4] ارتباط خود با ارزش‌های مثبت و نیک را دارد. با این حال، به نظر می‌رسد بحران‌های حاصل از آن این گونه ارزش‌ها را تحت الشعاع قرار داده است. قبل از شکافتن هسته اتم، مدرنیسم دچار این افراط‌گرایی شده بود که منکر همه ارزش‌های مذهبی می‌شد، و با این کار نیاز به مادی‌گری سکولار [5] (یک فرم افراطی بی‌دینی) را ترویج می‌کرد. افراطی‌گری موجب افراطی‌گری بیش‌تر می‌شود و متأسفانه این شکل از مادی‌گری سکولار قرن‌هاست که فلسفه حاکم بر جهان می‌باشد و نهایتاً منجر به بروز یک حرکت قوی مذهبی مخالف شده است.

پس از شکافتن هسته اتم و تولد "پست مدرنیسم"، فلسفه حاکم بر مکتب ساختارگرایی (کانستراکشنیزم) به محور تفکر میانه روی اسلامی شدت بخشید و موجب شد فهم صحیح شریعت چه از جانب مسلمانان و چه توسط غیر مسلمین با وقفه مواجه شده، و بلکه به فراموشی سپرده شود.

دقیقاً همین الگوی جدید بوده که منجر به بروز بحران‌هایی جدید در قرن بیست و یکم شده، از جمله بروز تفرقه بین مسلمانان، چند پارچگی و خطرناک‌تر از همه نومی‌دی و فقدان استراتژی‌های مشترک برای اداره جهان و حتی استقلال طلبی در قرن بیست و یکم.

این مقاله به بررسی مفهوم میانه روی، به عنوان مبانی شریعت، و نظریه "وسطیه" به عنوان تفکری مناسب برای بازتولید وحدت اسلامی و رسیدن به ثبات در هنگامه بحران‌های قرن بیست و یکم می‌پردازد. ما سعی خواهیم کرد مفهوم "وسطیه" و افراطی‌گری را در متن الگوی فعلی روابط بین المللی معنی کنیم

و هم چنین خواهیم کوشید ثابت کنیم تنها ارزش‌های میانه روی است که می‌تواند امت اسلامی را در قرن بیست و یکم در جایگاه مناسب خود قرار دهد.

0.1 الوسطیه و افراط گرایی: یک تعریف

2- "الوسطیه" را به طور تحت اللفظی می‌توان میانه روی ترجمه کرد. این لغت و مشتقات آن پنج بار در قرآن کریم آمده اند: سورة بقره 2:143 و 238، سورة مائده 5:89، و سورة العاديات 5:100. و با نگاه به همه این آیات، گرچه آن‌ها اشاره به متن‌هایی مختلف دارند، اما همه توجهشان به بهترین در متن مورد توجه هر آیه است. در مورد 238:2 آیه اشاره می‌کند به "نماز عصر"، در آیه 5:89 به بهترین غذا اشاره می‌کند، در مورد 62:28 به بهترین هم نشین اشاره شده است، در 100:5 منظور بهترین نوع اسب می‌باشد، و در آیه مبارکه 2:143 به بهترین امت اشاره شده است. اگر آیه 2:143 در رابطه با آیه 110 از سورة ال عمران خوانده شود این معنا قوی تر جلوه‌گری شود، چرا که در آن جا از امت پیامبر به عنوان "بهترین امت" یاد شده است.

در هر حال، این نکته ارزش یادآوری دارد که آیه 3:110 نشان می‌دهد که بهترین ملت‌ها، یا امه وسطی بودن امری اکتسابی است، نه این که صرفاً لطفی از جانب خدا باشد. کسب آن از طریق "امر به معروف و نهی از منکر" میسر است. این یعنی میانه روی از ویژگی‌های خاص شریعت است و افراطی‌گری روشی غیر اسلامی است. مسلمانان موظف شده‌اند از طریق میانه پاسداری نمایند و این کار را با استفاده از راه کار امر به معروف نسبت به آنانی که گرایش به افراطی‌گری دارند باید انجام بدهند.

تعریف فنی "الوسطیه" می‌تواند چنین باشد: حالتی بین دو نهایت: یکی زیاده روی است و دیگری احوال. آنچه موجب می‌شود میانه روی در هر متنی بهترین حالت ممکن باشد این است که میانه روی حالتی است بین دو نهایت قابل ملامت. در سورة مبارکه "فرقان" ذات اقدس الهی می‌فرماید:

و آنان که هنگام هزینه نمودن نه و لخرجی می‌کنند و نه خساست می‌ورزند، بلکه طرق میانه بین آن‌ها را می‌پایند. 25:67

مسأله شاهد بودن روی سر تمامی بشریت که در بالا در آیه شریفه 2:143 به آن اشاره شد تنها در صورتی میسر است که کسی که شاهد است مکان فیزیکی اش در میانه رخدادها باشد تا بتواند آن‌ها را به درستی ببیند. لذا، یک افراط گرا، مثلاً کسی که خویش را در هریک از دو انتها الیه قرار داده است، نخواهد توانست اتفاقات را به درستی شاهد باشد. لذا، پیامبر شاهد همه بشریت خواهد بود، چون او میانه رو تر از همه آن‌هاست.

در حوزه عبادات، اعمال مؤمنانه، میانه روی یعنی توانمندی پرستش الهی بین رغبت و رهبت، چنان که در سورة انبیا 21:90 آمده است، یا توانایی پایداری در حد محدود بین فرمانبرداری صادقانه از الهی، چنان چه در حدیث فوق آمد، نه این که به طور نامحدود درگیر شویم که تداوم آن میسر نباشد. واژه

"الوسطيه" را مي‌توان مترادف با کلمه "الحکمه" (دانايي) يا لغت "العدالة" (عدالت) به کار برد. همين توانايي تطابق است که به ما اين امکان را مي‌دهد که به ياري ميانه روي ظاهر و باطن خويش را هماهنگ و هم نوا کنيم.

براي اين که به اين مقام برسيم، بايد مفهوم هماهنگي را در وادي اي بين جسماني و روحاني تصور نمايم. اساساً به همين خاطر است که اضافات در هرگونه اقدام مثبت يا منفي در اين ميان تعديل و متناسب مي‌شود. اسلام به مامي آموزد که موفقيت انسان نه در استغراق در معنويات قابل اکتساب است و نه در سرمستي از جيفه جهان مادي؛ انسان نه بايد نعمت‌هاي اين جهاني را يک سره رها کند و سهم خويش را آن‌ها را داوطلبانه نادیده بگیرد و نه اين که برده وار تمام انگيزه زيستنش را رسيدن به اهداف مادي قرار بدهد. اسلام توازني عادلانه بين اين دو را تشويق مي‌کند. دين ما خواستار برقراري توازني بين رشد و تحول روحاني انسان و پرداختن وي به نيازهاي مادي خويش است.

مهم تر از همه، توانايي ديدن وحدت در کثرت، انطباق خويشتن و سعه صدر داشتن در مقابله با ديگاه‌هاي گوناگون است، مادام که آن‌ها تناقضي با اصول عقايد ما نداشته باشند.

در حوزه سياسي، ميانه روي يعني خودداري از زياده روي در تحکّم. امروزه بيش تر رهبران جهان عرب در تحکّم زياده روي مي‌کنند، از جمله اين که سال هاست بر مسند قدرت سوار بوده‌اند و بد تر از همه اين که آن‌ها خويش را بالاتر از قوانيني مي‌دانند که خود مجري آن‌ها هستند، که بحران جاري در تونس بهترين نمونه آن است.

ما دريافته ايم که بيش تر روابط خشونت بار ناشي از افراطي گري است، که يا بين مسلمانان و غير مسلمانان رخ مي‌دهد و يا بين دو فرقه از مسلمانان. بازارهاي روشنفکري ما اغلب اوقات دست خوش سيلبي از کتاب‌هايي است که يا خالق و يا مبقي افراط گرايي فرقه‌اي هستند؛ سني عليه شيعه و تکه‌ها و پاتکه‌هاي درون تسنن، براي نمونه بين مخالفين و موافقين تصوّف.

سورة 2: آية 143 که قبلاً به آن اشاره شد به وضوح نشان مي‌دهد که ميانه روي يک اصل ممدوح اسلامي است، که بر اساس آن تمام مسلمانان برادران و خواهرن يک ديگرند و در واقع اعضاي پيکري واحدند که تنها در سايه جمع بود نمي‌توانند نقش شاهد ديگران بودن را ايفا نمايند. لذا، تأثير ميانه روي بيش تر بر بهبود روابط بين الملل است تا بر اصلاح روابط درون گروهی مسلمين.

1.1 - تعريف افراطي گري

تعريف و اهميت ميانه روي مادام که افراطي گري تعريف نشده باشد نه کامل است و نه قدر آن به درستي شناخته مي‌شود.

در حال حاضر، به خاطر کاربرد عام از جانب رسانه‌هاي جهاني، از کلمه "تطرّف" به طور گسترده در اشاره به افراطي گري استفاده مي‌شود.

با این اجازه دهید مدعی شویم که عبارت "تطرف" گرچه ریشه عربی دارد و در ادبیات عرب دیده می‌شود[6] اما به لحاظ فنی از دیدگاه سکولار غربی به عاریت گرفته شده است. درست مانند واژه "اصولی" که اغلب حتی در رسانه‌های کشورهای اسلامی در ترجمه کلمه انگلیسی "fundamentalism" (اصول گرایی) به کار می‌رود، لغت "تطرف" نیز ترجمه مستقیم کلمه انگلیسی "extremism" است.

ما هر چند وقت یک بار زیر بمباران اصطلاحاتی مثل "التطرف الاسلامي" (افراط گرایی اسلامی) با "الاصولي الاسلامي" (بنیادگرایی اسلامی) قرار می‌گیریم، اما هرگز کلامی در خصوص بنیادگرایی مسیحی یا یهودی نمی‌شنویم، گرچه افراط گرایی حکومت صهیونیستی، گروه "اتا" در اسپانیا، و درس‌های تروریستی ایرلندی همیشه در اذهانمان تازه می‌ماند.

رسانه‌های غربی موزیانه چنین اصطلاحاتی را با بار معنایی منفی باب می‌کند تا با افکار عمومی جهان اسلام بیشتر به نفع منافع ملی غربی خویش بازی کرده باشند. لذا، وقتی یک گروه که برچسب افراط گرا یا تروریست خورده است در یک چرخش شروع به ارائه خدمات به منافع غربی‌ها می‌کند - گرچه احتمالاً هنوز از همان سلاح‌های مرگبار استفاده می‌کند - دیگر در اشاره به آن‌ها از این کلمات استفاده نمی‌شود، و عکس این قضیه نیز صادق است.[7]

به نحو مشابه، واژه جهاد که طی اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق عبارتی مقبول بود، امروزه که افغانستان در اشغال غرب است به واژه‌ای وحشت آفرین و بلکه "گناه آمیز" تبدیل شده است. همین رسانه‌ها جهان اسلام را به حکومت‌های میانه رو[8] و افراط گرا تقسیم می‌کنند.

2.1 - افراط گرایی در زبان شریعت

اکنون که به لحاظ فنی دانستیم "تطرف" ترجمه تحت اللفظی و مبتنی بر دیدگاهی در زبان‌های خارجی است، ببینیم واژه قرآنی مربوط به افراط گرایی چیست؟

واژه "الغلو" با مفهوم افراط گرایی دو بار در قرآن کریم آمده است: در سوره مبارکه نساء 4:171، ذات اقدس اله می‌فرماید:

ای اهل کتاب (یهود و نصاری)! از موازین دین خویش تعدی نکنید و به جز حقیقت به خدا نسبت ندهید. عیسی مسیح پسر مریم، رسول ا[ل] و کلمه او بود، که خدا به مریم عطا فرمود...

و در سوره مائده 5:77 خدای متعال می‌گوید:

(ای محمد) بگو ای اهل کتاب از حدود دین خویش تعدی نکنید و پیرو تمایلات بیهوده مردمی نباشید که طرق گمراهی را در ایام گذشته پیمودند، یا آنان که بسیاری را گمراه کردند، و از صراط مستقیم منحرف کردند.

و در آیات بعدی؛ یعنی آیه‌های 78 و 79 علت افراط گرایی آن‌ها بیان شده است:

آن‌ها یک دیگر را از ارتکاب به منکر و گناهان و پرستش چند خدا نهی نمی‌کردند، و مرتکب این اعمال می‌شدند.

لذا، در نظام حقوقی اسلامی کلمه "غلو" لغتی است که به افراطی‌گری اشاره می‌کند، و در موردی که لزوم امر به معروف و نهی از منکر پیش بیاید از این راهکار برای رفع غلو و بازگرداندن وضعیت به حالت میانه روی "وسطیه" استفاده می‌شود. با این حال، نکته مهم تر در خصوص میانه روی این است که تنها ذات مقدس ا[] است که انحصاراً و از طریق انبیای خویش خوب و بد را تعیین می‌فرماید.

با این حال، شریعت به توصیف ویژگی‌های افراط‌گرایی اکتفا نکرده، بلکه روش میانه روی را در دعوت مردم به پیروی از کتاب‌های مقدس و ترک شیوه‌های مذموم پیش نهاد می‌کند که همان امر به معروف و نهی از منکر است. آیات ذیل از سوره آل عمران (3:64) شاهی است بر این مدعا:

(ای پیامبر بگو) ای اهل کتاب! بیایید به آن چه بین ما و شما مشترکاً مورد پذیرش است عمل کنیم، که همانا پرستش هیچ کس به جز آفریدگار یکتا، برگزیدن هیچ والدینی برای وی، و انتخاب هیچ اربابی به جز خدای متعال است، و اگر آنان نپذیرفتند بگو: شاهد باشید که ما تسلیم اراده پروردگار (مسلمان) هستیم.

در همین سوره، آیه 61 خدای متعال می‌فرماید:

پس هرکس با تو به مجادله پیرامون او (عیسی) پردازد، پس از همه آن چه در خصوص وی به تو آموختیم، بگو: بیایید پسرانمان و پسران آنان، زنانمان و زنان آنان، و خودهامان و خودهاتان را فراخوانیم - آن گاه با زرای دعا کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان خواستار شویم.

و خدای متعال در سوره مبارکه سبأ (34:24) می‌فرماید:

(ای محمد) بگو: چه کسی است که به شما از آسمان‌ها و از زمین نعماتی عطا می‌فرماید؟ بگو: ا[]، و بدون تردید یا ما و یا شما یا حقیقتاً هدایت شده ایم و یا در گمراهی آشکار.

عمده ترین ویژگی‌های رعایت میانه روی (وسطیّه)، رعایت اصول اخلاقی تواضع، فروتنی، آمادگی برای از خودگذشتی و ایثار، انتقاد از خود، و پذیرش خطا‌هایی است که مرتکب می‌شویم است. در نتیجه، در همه آیات مذکور، شخص پیامبر، با این که انسانی کامل بوده است - نکته‌ای که حتی مورد تصدیق مخالفین وی می‌باشد - از روش موثر قرار دادن خویش در خط مقدم آتش استفاده می‌کند.

پس از رحلت پیامبر، اصحاب وی در مقیاسی وسیع همان روش را پی‌گیری نمودند و دکترین‌هایی پیرامون اخلاقیات و موارد مورد مناقشه تدوین گردید. این ضرب‌المثل جدید چینی که: "نظر من صحیح است، اما احتمال غلط بودن آن هم منتفی نیست و نظر حریفم خطاست ولی امکان صحت آن هم وجود دارد" روشی نیکوست که از جانب اجدادمان در مبارزه با افراطی‌گری و صیانت از موازین میانه روی مورد استفاده قرار می‌گرفته.

امروز تواضع لازم جهت پذیرش احتمال اشتباه در عملکرد یا خطا در ابراز نظر، یا نظر شیخ (رهبر روحانی) اغلب اوقات وجود ندارد.

همان طور که قبلاً گفته شد، نسل مسلمانان قرن بیست و یکم زیر بمباران اطلاعاتی کتاب‌ها، مجلات،

فیلم‌ها و اینترنت قرار گرفته اند. اطلاعاتی که ویژگی‌های اخلاقی مذکور در بالا در ارائه آن‌ها مراعات نشده است و در نتیجه می‌توان آن را اطلاعات مولّد غلوّ نامید، که جوانان ما را به سمت افراطی‌گری سوق می‌دهد و مسلمانان را متقاعد می‌کند که نه تنها رؤیای رهبری جهان، بلکه حتی امید به کسب استقلال واقعی نیز طی قرن بیست و یکم رویایی دور از دسترس است.

0.2 - چرا اوضاع از این قرار است؟

در میانه راه ادراک فلسفه و ریشه‌های فرهنگ "پست مدرن"، شریعت اسلامی، آن چنان که در آیه مبارکه 153 از سوره 6 آمده: "این قطعاً صراط مستقیم من است، پس آن را پیروی کنید و راه‌های دیگر را نپیمائید..." که همانا منبع ادراک معنای حقیقی میانه روی می‌باشد، مدت‌هاست یا نادیده گرفته شده، و یا سوء تعبیر شده است.

برای این امر دلائلی در ابعاد مختلف وجود دارد. با این حال، در حد طرح در این مقاله، اجازه دهید مدعی شوم که دو جریان عمده امروزه به طور متقابل تأثیر منفی بر روند میانه روی گذاشته و به گسترش افراطی‌گری کمک کرده‌اند.

هر ناظر روابط بین المللی مدتی است شاهد بوده است که این وضعیت عمدتاً به خاطر روندهای: الف) غربی شدن مسیحیت، و ب) صهیونیستی شده غرب می‌باشد.

الف) مسیحیت آن گونه که بر عیسی مسیح (ع) نازل شد اصالتاً دینی شرقی بود. این دین در فلسطین زاده شد و برای استفاده مردم منطقه تا ظهور حضرت محمد (ص) آمده بود، و به خاطر همین طبیعت این دین، نه مسیحیت و نه عیسی مسیح (ع) ویژگی‌های و ضروریات یک دین جهانی و یک پیامبر برای همه بشریت را نداشتند.

با این حال، سه دهه پس از رحلت حضرت عیسی (ع) یکی از هواریین وی، سنت پاول، پایه گزار روند مسیحی کردن غرب شد. علی رقم این واقعیت که این روند مورد حمایت امپراطور کنستانتین بود، از آن جا که دین مسیح فاقد عوامل مورد نیاز برای جهانی شدن بود پروژه بدوآ شکست خورد. این شکست منجر به نتایجی معکوس شد. به جای مسیحی کردن غرب، مسیحیت غربی شد [9]، واجد تمامی ابعاد تمدن غرب، که خطرناک ترینشان اعتقاد به مادی گری سکولار بود. این وضعیت روابط اولیه سرشار از همدردی و تفاهم بین اسلام و مسیحیت را کنار زد و خصومت غرب نسبت به اسلام را جایگزین آن ساخت.

ب) با این حال، اگر وضعیت در مرحله الف) ثابت می‌ماند، روابط می‌توانست به نفع میانه روی بهبود یابد. صهیونیسم اعتقادی است به لزوم برپایی سرزمین موعود در زمین‌های مردمی دیگر، سرزمین فلسطین، توسط اقلیتی از یهودیان افراط گرا.

هر ناظر سیاست جهانی در قرن بیست و یکم تشخیص می‌دهد که صهیونیست‌ها به طور اخص آمریکا، و به طور اعم کل کشورهای غربی را تحت کنترل خویش دارند. بحران اعراب و اسرائیل ضعف کشور‌های غربی را در

برابر رژیم صهیونیستی در معرض نمایش عمومی قرار داده است. قدرت‌های غول آسای جهانی در برابر اربابان نشان در اسرائیل همچون کوتوله‌ها عمل می‌کنند، و به همین خاطر است که تمام اعتبارشان را از دست داده اند. کشور‌های غربی در برابر اسرائیل خجل و شرمسار هستند؛ در برابر کشوری که عملکردی برخلاف همه ارزش‌ها، مانند مردم سالاری، و همه قوانینی که غرب ادعای پرچم داری آن‌ها را داشته در عمل نشان می‌دهد، و به این ترتیب نفاق درونی خود را در معرض دید عموم قرار داده اند.

آیا غرب می‌تواند این روند را تغییر دهد؟

تمام شواهد خلاف این امر را ثابت می‌کنند، حتی عملکرد (رئیس‌جمهور آمریکا) باراک اوباما. علت این امر آن است که غرب مدت هاست شدیداً صهیونیستی شده است [10]. خون بارترین تهاجم نظامی قرن بیست و یکم تا زمان حاضر هم اکنون در عراق و افغانستان در جریان است. سازمان پیمان نظامی ناتو تحت رهبری ایالات متحده صرفاً جهت تسکین آلام رژیم صهیونیستی مشغول محو کشور‌های عراق، افغانستان و پاکستان، و تهدید ایران بوده است.

در این جا جالب است یاد آور شویم که افراط گرایی متقابل بین ملی گرایی یهودی در قالب صهیونیسم و ملی گرایی عربی در قالب اسلام گرایی عربی میوه تلخ تقویت افراط گرایی جهانی بوده است. [11]

0.3 - اما آیا ما مسلمانان برای تغییر این اوضاع باید منتظر آنان بمانیم؟

یکی از اساسی ترین دلایلی که غرب رفتار خود را تغییر نخواهد داد این است که مسلمانان برای انجام این کار چشم انتظار آن‌ها و متکی به آن‌ها هستند. یک دلیل دیگر فقدان یک برنامه عملی اسلامی با شانس موفقیت بالا برای خاورمیانه است. چنان برنامه ای می‌توانست پرزیدنت اوباما را تشویق کند که برخی از برنامه‌ها و وعده‌های بلند پروازانه اعلام شده اش علیه اسرائیل را عملی سازد.

0.4 - نتیجه گیری: چگونه این اوضاع را می‌توان تغییر داد؟

رخداد دو روند فوق الذکر تدریجی و حاصل یک برنامه ریزی جامع بلند مدت بوده است. به همین خاطر، تغییرات مثبت نیز لازم است مبتنی بر برنامه‌ای جامع و بلند مدت باشد.

رخداد چنین تغییری تنها در سایه جا انداختن تدریجی مفهوم "وسطیه" در اذهان نسل جوان و به این ترتیب درک بهتر شریعت میسر است.

شریعت یک نظام کاملاً جامع برای همه جنبه‌های زندگی بشر است. پیامبر (ص) و جانشینان برحقش بر اساس اصول حقیقی شریعت زندگی کردند و از بویته مخالفت‌های ناشی از تفاوت‌های نظام‌های اخلاقی و اجتماعی گوناگون پیروز بیرون آمدند و بیش تر اوقات در بهیوه‌های تفاوت‌های مکاتب فکری در صلح و آرامش زیستند، هر چند به لحاظ عمق اندیشه‌های نظری، و اصطلاحاً دکترین فکری خویش، مخالفت‌های بنیادین در درجه نخست با غیر مسلمانان و در حله بعد در درون خود جامعه اولیه اسلامی داشتند. به خاطر پایبندی

ایشان به اصل "وسطیه" (میان روی) بود که شریعت مانند آتشی که در نیزار بیفتد در سراسر جهان گسترش یافت.

امروزه تعاریف اسلامی برای میان روی و افراطی گری در جهان عملاً مهجورند. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به ویژه بعد از واقعه 11 سپتامبر و به قدرت رسیدن "نئوکان ها" (محافظه کار) های جدید آمریکا - معروف به نئو کازرواتیو ها) در ایالات متحده [12]، شکاف بین معنا های اسلامی و غربی از واژه های میان روی و افراطی گری عمیق تر و جدی تر شده است.

خیلی ها بر این باورند که بانی فلسفه "برخورد تمدن ها" که از جانب ساموئل هانتینگتون در کتاب وی به نام برخورد تمدن ها و بازسازی نظم نوین جهانی [13] تشریح شده همین "نئوکان ها" بوده اند. گرچه یکی از سفرای سابق آمریکا در مالزی، آقای "ولف" این نظر را رد کرده است [14] این سخن رئیس جمهور سابق (آمریکا جرج دبلیو) بوش که: "شما یا با ما هستید و یا با تروریست ها" خلاف نظر ولف را ثابت می کند.

معنای جدید "که با ماست و که با ما نیست" توسط رسانه ها بی رحمانه به همه جهان صادر شده است و خواه ناخواه تأثیر خود را بر رفتار و گفتار مسلمانان باقی گذاشته است.

بخشی از این اثرگذاری تشدید واژه سازی و تکرار دوباره مجموعه واژه های قبلاً ساخته شده جهت تسریع جریان تفرقه افکنی بین مسلمانان بوده است. واژه هایی مثل وهابی گری، شیعه گری، سلفی گری، و عبارت جدید "خارجی ها" با معانی جدید آن ها و خیلی کلمات دیگر ابداع شده اند و ارزش هایی به آن ها الصاق شده است تا محرک خشونت ورزی های باز هم بیش تر در درون جامعه معتقدین و پیروان یک دین واحد باشد. جالب است دقت کنیم که گروه هایی که به آن نام ها مورد اشاره قرار گرفته اند ممکن است الزاماً خودشان این نام ها را برای خود قبول نداشته باشند. در واقع، بعضی از این گروه ها توسط خود غرب یا قدرت های دست نشاندۀ آن ها در جهان اسلام خلق شده اند. [15]

"اولوسطیه" مفهومی اسلامی است و مسلمانان نباید به دیگران اجازه بدهند از جانب ایشان تصمیم بگیرند چه کسی میان روی است و چه کسی نیست.

نهایتاً، آموزش تدریجی مفهوم "وسطیه"، همان طور که بدوآ به نحو تدریجی به مسلمین آموخته شد، تکوین اصول اخلاقی خضوع، انتقاد از خود و توان مشاهده وحدت در کثرت، گام هایی است اساسی که باید جهت حل بحران خاورمیانه، و در سطح گسترده تر، مقابله با افراط گرایی در جهان، برداریم. به منظور تحقق چنین اهدافی مسلمانان باید پیش گام و آماده تدوین طرح استقلال اقتصادی و سیاسی خویش باشند. نقطه شروع تشدید و تقویت همکاری بین شیعیان و اهل سنت، و به ویژه به رسمیت شناختن این واقعیت است که دو کشور در این مسیر نقش کلیدی دارند: ترکیه تحت حاکمیت دولت کنونی آن و ایران. [16]

al-Attas, Syed Muhammad Naquib. Islam and Secularism, (KL: Art Printing work, 1978)

درويش عبدالمجيد، م، "ريحان الصالحين"، بيروت، موسسه الريحان

Jan, Tarik. et al. Pakistan Between Secularism and Islam, (Islam Abad: Institute of Policy Studies, 1998)

قرآن مجيد

Yaacob, Abdul Monir. Ed. Towards A Positive Islamic World View, (Malaysia, IKIM: 1994)

ياسين، السيد، "الحادثه و ما بعدالحادثه"، (Society Call Islamic World, 1998)

- مترجم و پيش ويراستار: سيد نادر آموزگار (علي)

- براي مجمع تقريب مذاهب اسلامي

- شمار نهايي كلمات: 4.892 كلمه

- تاريخ ارسال 3 دي 1389

[1]- ريشه يابي، يا "اپيستمولوژي" نظريه دانايي است؛ اين شاخه اي است از فلسفه كه به بررسي علوم و شاخه هاي آنمي پردازد. مبناي ريشه يابي يا "اپيستمولوژي" اسلامي رامي توان در آيات كريمه ذيل جستجو كرد: خدا كسي است كه شما را از رحم هاي مادرانتان به دنيا آورد در حالي كه ابدآ چيزي نمي دانستيد و امكان دانايي را بايتان فراهم آورد 78:16؛ خدا همه نام ها را به آدم آموخت 2:31، تنها قسمت اندكي از علم در اختيار شما قرار گرفته است 28:53، آن ها تنها از طن و گمانشان پيروي مي كنند و گمان در راه يابي به حقيقت هيچ كمكي نمي كند 37:10، پس بعد از حقيقت چيست، به جز گمراهي؟

[2]- قرآن كريم، سورة مباركة بقرهف آية 143

- [3]- فصل "الاقتصاد في العبادة"، كتاب "رياح الصالحين"، عبد الله م. درويش، انتشارات مصحح ريحان، بيروت، ص 98
- [4]- برای اطلاعات بیش تر پیرامون مدرنیسم و پست مدرنیسم نگاه کنید به مقدمه کتاب "الحدثه و ما بعدالحدثه" نوشته السيد ياسين، (جامعة دعوت اسلامي، 1998)، ص 7؛ همچنین نگاه کنید به مقالة "Modern and Anti-Moderns a critical look" (ها مدرن ضد و مدرن) 211 ص (KL: ISTAC 1994) الشفا شريفه، Islam and the Challenges of Modernity.
- [5]- سکولاریسم مکتبی فلسفی است که اهداف عمده آن به این شرح است: نفي روحانیت حاکم بر طبیعت، جدایی بین دین و حکومت، و نسبی بودن ارزش ها. اگر بخواهیم آن را در یک کپسول ارائه کنیم، می توان گفت زندگی منهای دین. برای اطلاعات بیش تر پیرامون سکولاریسم، نگاه کنید به Secularism and Islam به قلم العطاس (KL: work Printing Art، 1978) و Islam and Secularism Between Pakistan به قلم طارق جان و همکاران، اسلام آباد، مؤسسة سیاست و مطالعات سیاسی، 1998.
- [6]- جالب است توجه کنیم که مانند لغت "وسط" و مشتقات آن، کلمه "طرف" که متضاد "وسط" است نیز پنج بار در قرآن آمده، در سوره های 3:217، 11:114، 20:130، 13:41 و 21:44.
- [7]- بهترین نمونه برای این مورد بدترین گروه تروریستی یا همان القاعده است. بذر القاعده را خود غرب در زمانی که افغان ها با ارتش سرخمی جنگیدند در منطقه افشاند.
- [8]- کشور هایی مانند مصر و عربستان سعودی مثال هایی از حکومت هایی میانه رو و کشور هایی مثل ایران و سوره کشور هایی افراط گرا نامیده می شوند.
- [9]- ضمن این که مسیحیت شرقی علائق و همدردی خود با اسلام را حفظ کرد، مسیحیت غربی نیروی متخاصم بود. نگاه کنید به کتاب های سیره (زندگی نامه های پیامبر اسلام - ص) و نامه های پادشاهان و امپراطور های هر دو سو خطاب به پیامبر (ص) را زمانی که وی آن ها را به اسلام و صلح دعوت کرد مطالعه کنید.
- [10]- این امر از طریق کنترل راز ثروت، الماس، دانشگاه ها و به ویژه رسانه ها عملی شده است.

[11] - این نوع از ملی گرایی عربی در شعر یک عرب ملی گرا منعکس شده است، آن جا که سروده: به کفر خوش آمدمی! گوئیم، آن جا که موجب یک پارچگی ما (اعراب) بشود و آن گاه همه ما را یک جا در جهنم گرد هم بیاورد!

[12] - مثل دیک چنی، پاول ولفورث و دانلد رامسفلد

[13] - The Clash of Civilization and Remaking of the New World Order

[14] - نگاه کنید به "Doctrines House Meridian the :Policy Foreign American An" (یک سیاست خارجی آمریکایی: دکترین مریدین هاوس) در کتاب View World Islamic Positive A Towards (به سوی یک دیدگاه مثبت اسلامی) نوشته منیر یعقوب، نسخه چاپ مالزی IKIM، ص 1

[15] - القاعده بهترین نمونه از خلق و حمایت از چنین گروه هایی توسط آمریکاست. یگ گزارش خبری در شبکه الجزیره که چند ماه پیش پخش شد به دقت و درستی این مسأله را مورد بررسی قرار داد.

[16] - این بدان معنا نیست که سایر کشورها نقش ابزاری در این حرکت ندارند. مشکل این جاست که آن کشورها دیگر هنوز تصمیم خود را نگرفته اند.